

مبانی حقوقی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران
ایوب احمدی گندمانی^۱ - محمد صادقی^۲ - بابک باصری^۳
تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۰ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳

چکیده:

از نظر حقوقی تصمیماتی دارای اعتبار و مشروعیت می‌باشند که مستند و مستدل به مواد قانونی باشند. یکی از تصمیماتی که در جامعه از طرف مراجع ذیصلاح گرفته می‌شود، تصمیمات اقتصادی است. در این پژوهش در پی پاسخ به این سؤال هستیم که پشتوانه حقوقی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران چیست؟ در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران آن دسته از تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دارای اعتبار و مشروعیت می‌باشد که بر مبنای اقتصاد مدنظر قانون اساسی باشد. در این مقاله سعی نمودیم از طریق یک مطالعه کتابخانه‌ای با رویکردی توصیفی-تحلیلی، اقتصاد مدنظر قانون اساسی یعنی همان پشتوانه حقوقی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی را شناسایی کرده و به تصمیم‌گیرندگان اقتصادی کشور پیشنهاد می‌گردد برای پیشبرد اهداف اقتصادی کشور بر مبنای آن اقدام به تصمیم‌گیری کنند.

واژگان کلیدی: پشتوانه حقوقی، قانون اساسی، تصمیم‌گیری اقتصادی، جمهوری اسلامی،

ایران

^۱ - دانشجوی دکتری، حقوق عمومی، واحد زاهدان، دانشگاه آزاد اسلامی، زاهدان، ایران

mohsensargazi29@gmail.com

^۲ - دانشیار و عضو هیئت علمی، حقوق بین الملل، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران: نویسنده مسئول

Dr_ajalalan@yahoo.com

^۳ - استادیار و عضو هیئت علمی، فقه و حقوق و اندیشه‌های امام خمینی، پژوهشگاه قوه قضاییه، تهران، ایران

مقدمه

از نظر حقوقی تصمیماتی دارای اعتبار و مشروعیت می‌باشند که مستند و مستدل به مواد قانونی باشند. یکی از تصمیماتی که در جامعه از طرف مراجع ذیربط گرفته می‌شود، تصمیمات اقتصادی است.

بررسی عملکرد اقتصاد ایران طی چند دهه اخیر نشان می‌دهد، همچنان اقتصاد ایران با واقعیت‌های تلخی نظیر تورم لجام گسیخته، بیکاری گسترده، رشد کم تولید ملی و درآمد سرانه، کاهش مداوم ارزش پول و ... روبرو است و به نتایج مطلوبی دست نیافته است به طوری که تقریباً می‌توان گفت هیچ یک از متغیرهای اقتصادی در کشور در شرایط مطلوبی قرار ندارند. وضعیت نامطلوب متغیرهای اقتصادی نتیجه تصمیمات اقتصادی است. طی دوره‌های مختلف، برای برون رفت از مشکلات، معضلات و وضعیت نامساعد اقتصادی، تصمیم‌گیری‌ها و جهت‌گیری‌ها به طور مکرر تغییر یافته است، بدون آنکه این سیاست‌گذاری‌ها بر مبنای واقعیت‌های اجتماعی و ریشه‌یابی دقیق علل ناکارآمدی سیاست‌ها به اجرا درآمده باشد.

مسئله اساسی این است که تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اجرای این تصمیمات و نتایج عملکرد نهایی تصمیمات که در ابعاد اقتصادی و اجتماعی نمود پیدا می‌کند در صورتی دارای اعتبار و مشروعیت می‌باشد که مستند و مستدل به مواد قانونی باشد و از پشتوانه حقوقی بر-خوردار باشد. هنگامی که تصمیمات اقتصادی بر مبنای پایه‌های نادرست طراحی و اجرا شود، نه تنها نتایج مطلوبی بدست نمی‌دهد، بلکه تصمیمات مذکور در معرض آفات و انحرافات از قبیل تغییرات مداوم یا تأثیرپذیری بیش از حد از افکار عمومی (عوام زدگی) قرار می‌گیرد. حال برای دانستن پشتوانه حقوقی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران به عالیترین سند حقوقی در کشور یعنی قانون اساسی مراجعه می‌کنیم. قانون اساسی هر کشوری مشخص‌کننده خطوط کلی سیاستگذاری آن کشور می‌باشد و بر عقاید و ارزش‌های پایدار جامعه استوار است. سیاستگذاری بوسیله مراجع مختلف بخش عمومی از قبیل مجلس، دولت، قوه قضائیه و یا نهادهای خاص منشعب از قانون اساسی صورت می‌گیرد. قوه مقننه نقش بسیار بالایی در فرایند سیاستگذاری دارد میزان نقش‌پذیری مجلس در سیاستگذاری بستگی به عوامل ساختاری شامل اختیارات مجلس، ساختار درونی و بیرونی مجلس و کنشگران شامل نمایندگان رئیس‌جمهور و گروه‌های نفوذ دارد. طبق قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران سیاست‌های کلی نظام توسط مقام معظم رهبری تعیین و از جانب وی نظارت می‌گردد. قوه

مجریه سیاستگذاری عمومی بر اساس سیاست‌های ابلاغی تعیین و برای تصویب به مجلس شورای اسلامی ارائه و قوه مقننه نیز نسبت به اجرای آن نظارت می‌نماید. علاوه بر مجلس شورای اسلامی شورای نگهبان نیز در سیاستگذاری نقش دارد که مجلس شورای اسلامی بدون شورای نگهبان اعتبار قانونی ندارد. ما با یافتن پشتوانه حقوقی سیاستگذاری اقتصادی ذهن سیاستگذاران اقتصادی کشور معطوف می‌کنیم که بر اساس آن مبانی اقدام به سیاستگذاری نمایند. چون آنچه که برای مردم ایجاد حق و تکلیف می‌کند و مردم ملزم به رعایت آن هستند قواعد حقوقی است.

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران

قانون اساسی هر کشور چکیده افکار، اهداف و آرمان‌های مردم آن جاست و میثاقی است که اکثریت افراد یک ملت برای رسیدن به اهدافی مشترک، فعالیت‌های فردی و اجتماعی خود را بر اساس آن تنظیم می‌کنند؛ مجموعه‌ای متشکل از قواعد و مقررات کلی که شکل حکومت و سازمان عالی قوای سه‌گانه کشور و ارتباط آنها را با یکدیگر و حقوق و آزادی‌های افراد را در مقابل دولت مشخص می‌نماید. (خلیلیان اشکذری، ۱۳۹۰)

در واقع، قانون اساسی محور اصلی نظام سیاسی و انتظام بخش به همه امور است و اجرای دقیق آن آزادی و حرمت انسانی را تضمین و راه را بر هرگونه استبداد و خودکامگی می‌بندد؛ (مدنی، ۱۳۷۳: ۱۰۸) زیرا بر اساس همین قانون است که دولت تکیه‌گاه خود را در بین مردم مشخص می‌بیند و مردم نیز حقوق خود را نسبت به دولت شناسایی می‌کنند. قانون اساسی زبان مکالمه مردم با مسئولان است؛ آنها با استفاده از قانون اساسی با مردم صحبت می‌کنند و مردم نیز انتظاراتشان را با زبان قانون اساسی بیان می‌کنند. (حائری شیرازی، ۱۳۶۸: ۱۰)

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، خطوط بنیادین سیاسی و اقتصادی پس از انقلاب را تعیین می‌کند، و از آغاز تاکنون تأثیری تعیین‌کننده بر سوگیری ساختار اقتصادی ایران داشته است. منابع حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران با تمامی قوانین اساسی کشورهای دنیا تفاوت دارد. مؤلفین و محققین حقوق، یک سلسله منابع را برای حقوق اساسی کشورها معین می‌کند که، بعضی از این منابع، جنبه عام دارد، حقوق اساسی اغلب کشورها متکی به آن است و بعضی جنبه خاص دارد. حقوق اساسی جمهوری اسلامی ایران علاوه بر آن منابع عام که با دیگر کشورها مشترک است، بعضی منابع بسیار معتبر اختصاصی هم دارد؛ منبعی مثل قرآن،

معتبرترین و پر قدرت‌ترین منابع حقوق اساسی است که در اعماق فکر امت اسلامی ریشه دارد و به آن حقوق، جنبه الهی و مشروعیت می‌دهد. قرآن منبع خاص و اساسی‌ترین منبع دوران خود است. حقوقی که اصول، احکام، مبنا، توجه و سیر و حرکتش اسلامی است، باید از قرآن الهام بگیرد. اسلام در مفهوم اصلی و کامل خود، ارایه احکام پرتحرک و همیشه جاوید قرآن است. همه علوم اسلامی ریشه در قرآن دارد. قرآن که از طریق وحی بر پیامبر نازل شده، در چهارده قرن گذشته به واقع، قانون اساسی امت اسلام بوده است. همه گروه‌های اسلامی با وجود گسست افکار و عقاید، نسبت به اصالت قرآن و حکومت قاطع احکام آن اتفاق نظر دارند؛ هر چند که از روی غفلت و یا جهل به آن عمل نکرده و یا نمی‌کنند. احکام قرآن با همان عباراتی که پیامبر (ص) دریافت نموده، باقی و جاوید است. قانون اساسی جمهوری اسلامی، ملهم از قرآن است و درعین‌اینکه تشکیلات عالیه مورد نیاز کشور و وظایف آنها را با شکل قابل فهم روز تعیین می‌کند، به علت بنا شدن بر مبانی اسلام نمی‌تواند در هیچ مورد تضادی با قرآن داشته باشد. (مدنی، ۱۳۸۲)

قانونگذار اساسی با توجه به منابع خاص و اختصاصی خود به طراحی اصول اقتصادی و مسئله اقتصاد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران پرداخته است. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است: "جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود، هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارآیی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه برنامه اقتصاد اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تامین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او برعهده حکومت اسلامی است."

فصل چهارم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز طی ۱۳ اصل، به طراحی اصول کلی اقتصادی جامعه پرداخته است.

حال در این پژوهش پس از بررسی اهداف اقتصادی قانون اساسی به استخراج و شناسایی

مبانی و پایه‌های اقتصاد و مستندات دینی اصول اقتصادی قانون اساسی می‌پردازیم.

پایه‌های اقتصاد در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران (اصول اعتقادی)

پایه مستند و معتبر برای سیاستگذاری‌ها و برنامه‌های اقتصادی در ایران، قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران است. این قانون باید پایه همه برنامه‌ها و کارهای اجرایی کشور باشد. این قانون اصول متعددی دارد که این اصول، چارچوب‌ها و اهداف مطلوب کشور را ترسیم کرده‌اند. می‌توان در توضیح بخشی از هدف‌های کلی اسلامی که برگرفته از اصول اعتقادی اسلام است، قانون اساسی را نیز ملاک متقن و قابل اتکا دانست. زیرا اصول اعتقادی قانون اساسی، برداشت خبرگان مذهبی و ملی این ملت، از اصول اسلام است. اصل دوم و سوم قانون اساسی ترسیم خوبی از اصول اعتقادی و هدف‌های اجرایی کشور ارائه کرده‌اند. این اصول اعتقادی و اجرایی باید پایه طراحی هدف‌ها، آرمان‌ها و نیز راه‌ها و ابزار توسعه ایران و بر پایه آن، توسعه اقتصاد ایران باشد.

اصل دوم قانون اساسی. جمهوری اسلامی، نظامی است بر پایه ایمان به:

- ۱- خدای یکتا (لا اله الا الله) و اختصاص حاکمیت و تشریح به او و لزوم تسلیم در برابر امر او.
 - ۲- وحی الهی و نقش بنیادی آن در بیان قوانین.
 - ۳- معاد و نقش سازنده آن در سیر تکاملی انسان به سوی خدا.
 - ۴- عدل خدا در خلقت و تشریح.
 - ۵- امامت و رهبری مستمر و نقش اساسی آن در تداوم انقلاب اسلام.
 - ۶- کرامت و ارزش والای انسان و آزادی توأم با مسئولیت او در برابر خدا که از راه:
 - الف. اجتهاد مستمر فقهای جامع شرایط براساس کتاب و سنت معصومین سلام ا. علیهم اجمعین.
 - ب. استفاده از علوم و فنون و تجارب پیشرفته بشری و تلاش در پیشبرد آنها.
 - ج. نفی هرگونه ستمگری و ستم‌کشی و سلطه‌گری و سلطه‌پذیری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند.
- اصل سوم. دولت جمهوری اسلامی ایران موظف است برای نیل به اهداف مذکور در اصل دوم، همه امکانات خود را برای امور زیر به کار برد:
- ۱- ایجاد محیط مساعد برای رشد فضایل اخلاقی براساس ایمان و تقوا و مبارزه با کلیه مظاهر فساد و تباهی.

- ۲- بالابردن سطح آگاهی‌های عمومی در همه زمینه‌ها با استفاده صحیح از مطبوعات و رسانه‌های گروهی و وسایل دیگر.
 - ۳- آموزش و پرورش و تربیت بدنی رایگان برای همه، در تمام سطوح و تسهیل و تعمیم آموزش عالی.
 - ۴- تقویت روح بررسی و تتبع و ابتکار در تمام زمینه‌های علمی، فنی، فرهنگی و اسلامی از طریق تاسیس مراکز تحقیق و تشویق محققان.
 - ۵- طرد کامل استعمار و جلوگیری از نفوذ اجانب.
 - ۶- محو هرگونه استبداد و خودکامگی و انحصار طلبی.
 - ۷- تامین آزادی‌های سیاسی و اجتماعی در حدود قانون.
 - ۸- مشارکت عامه مردم در تعیین سرنوشت سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خویش.
 - ۹- رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه‌های مادی و معنوی.
 - ۱۰- ایجاد نظام اداری صحیح و حذف تشکیلات غیرضرور.
 - ۱۱- تقویت کامل بنیه دفاع ملی از طریق آموزش نظامی عمومی برای حفظ استقلال و تمامیت ارضی و نظام اسلامی کشور.
 - ۱۲- پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و بر طرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه.
 - ۱۳- تامین خودکفایی در علوم و فنون صنعت و کشاورزی و امور نظامی و مانند اینها.
 - ۱۴- تامین حقوق همه جانبه افراد از زن و مرد و ایجاد امنیت قضایی عادلانه برای همه و تساوی عموم در برابر قانون.
 - ۱۵- توسعه و تحکیم برادری اسلامی و تعاون عمومی بین همه مردم.
 - ۱۶- تنظیم سیاست خارجی کشور براساس معیارهای اسلام، تعهد برادرانه نسبت به همه مسلمانان و حمایت بی‌دریغ از مستضعفان جهان.
- اصل چهارم. کلیه قوانین و مقررات مدنی، جزایی، مالی، اقتصادی، اداری، فرهنگی، نظامی، سیاسی و غیر اینها باید براساس موازین اسلامی باشد.
- اصل نهم. در جمهوری اسلامی ایران آزادی و استقلال و وحدت و تمامیت ارضی کشور از

یکدیگر تفکیک ناپذیرند و حفظ آنها وظیفه دولت و آحاد ملت است. هیچ فرد یا گروه یا مقامی حق ندارد به نام استفاده از آزادی به استقلال سیاسی، فرهنگی، اقتصادی، نظامی و تمامیت ارضی ایران کمترین خدشه‌ای وارد کند و هیچ مقامی حق ندارد به نام حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور آزادی‌های مشروع را، هر چند با وضع قوانین و مقررات، سلب کند.

اهداف اقتصادی قانون اساسی

در مجموع، هفت هدف اصلی در بخش اقتصاد و امور مالی قانون اساسی دنبال شده است:

۱. مبارزه با فقر و تأمین نیازهای اساسی در پرتو کار خلاق و ارزش افزوده‌ای که خود او در جامعه تولید می‌کند.
۲. آزاد نگه داشتن بخشی از وقت انسان برای اینکه فرصتی مناسب برای خودسازی و رشد انسانی و تعالی معنوی داشته باشد. به تعبیر دیگر، در نظام اقتصادی جمهوری اسلامی، تلاش برای تأمین نیازمندی‌های اقتصادی، نباید همه وقت افراد جامعه را بگیرد، بلکه مقداری از وقت آنان باید برای خودسازی انسانی، الهی و رشد معنوی، آزاد باشد.
۳. اعتدال در مصرف، مبارزه با اسراف و نفی هر نوع بهره برداری تخریبی نسبت به امکاناتی که خداوند در این طبیعت برای زندگی انسان‌ها در اختیار همگان قرار داده است.
۴. حفظ آزادی انسان در رابطه با عامل اقتصاد تا برده سرمایه داری خصوصی یا سرمایه داری دولتی نشود و آزادی و کرامت او در رابطه با عامل اقتصاد حفظ شود.
۵. تأکید بر استقلال اقتصادی کشور تا جامعه از نظر اقتصادی، خودکفا باشد؛ خود تولید کند و متناسب با نیازهای خود مصرف کند؛ چون در جهان امروز، وابستگی اقتصادی زیربنا و ریشه وابستگی‌های دیگر است و با استقلال جامعه سازگار نیست.
۶. تأکید بر تکامل فنی و صنعتی؛ زیرا پیشرفت‌های صنعتی از جلوه‌های انسان است و هیچ‌گاه نباید مورد غفلت قرار گیرد. بنابراین، در برنامه‌ریزی اقتصادی جامعه، باید بر آن تأکید شود.
۷. برقراری عدالت اقتصادی در استفاده از بیت المال و منابع طبیعی و جلوگیری از چپاول عده‌ای خاص؛ زیرا اولی از اموال عمومی است و دومی را خداوند برای همه افراد کشور در این طبیعت آفریده است.

بررسی اصول اقتصادی قانون اساسی

اشارات مستقیم و غیرمستقیم به مباحث اقتصادی در قانون اساسی در فصول مختلف این

قانون آمده‌اند. اصول مستقیم اصولی‌اند که در فصل چهارم قانون اساسی با عنوان «اقتصاد و امور مالی» از اصل ۴۳ تا اصل ۵۵ درج شده و اصول غیر مستقیم، شامل همه آن اصولی می‌شود که در فصول مختلف، جنبه‌های اقتصادی قوی دارند: علاوه بر ۱۳ اصل مندرج در فصل چهارم، ۳۹ اصل دیگر نیز صبغه اقتصادی دارند که در مقولاتی همچون: استقلال اقتصادی، خودکفایی، تأمین اجتماعی و بیمه، آزادی شغل، مسکن، قراردادهای خارجی، ممنوعیت اعطای امتیاز به شرکت‌های خارجی و نظایر آن دسته‌بندی می‌شوند.

در بخشی از مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران با گذاره «اقتصاد وسیله است نه هدف» می‌خوانیم: «در تحکیم بنیادهای اقتصادی، اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز و تکاثر ثروت و سودجویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود. ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه برنامه اقتصادی اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او برعهده حکومت اسلامی است».

این مقدمه مهم قانون اساسی، البته نیک اندیشانه و آرمانی است. اما نویسندگان آن که به نقش زیربنایی اقتصاد در جامعه باور نداشتند، از همان آغاز «تأمین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد...» را که بن مایه‌ای اقتصادی و از شعارهای بنیادین باورمندان به سوسیالیسم و جامعه‌های دموکراتیک پیشرفته بود، در مقدمه قانون اساسی گنجانده‌اند. اینکه در عمل تا چه اندازه این شعار پیاده شد یا نشد، چیزی است که در مباحث دیگر باید به آن توجه شود.

با وجودی که اصول بسیاری از قانون اساسی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به مسائل اقتصادی پرداخته است، ولی مهمترین اصل‌های اقتصادی قانون اساسی به شرح ذیل می‌باشد. اصل دوم: براساس بندهای چهارم و ششم این اصل: جمهوری اسلامی از راه نفی هرگونه استمگری، قسط و عدل و استقلال سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی و همبستگی ملی را تأمین می‌کند. در این اصل، رعایت قسط و عدل را می‌توان در راستای مقابله با فقر تفسیر و تعبیر کرد.

اصل سوم: در اصل سوم رفع تبعیضات ناروا و ایجاد امکانات عادلانه برای همه، در تمام زمینه های مادی و معنوی، پی‌ریزی اقتصادی صحیح و عادلانه طبق ضوابط اسلامی جهت ایجاد رفاه و رفع فقر و برطرف ساختن هر نوع محرومیت در زمینه‌های تغذیه و مسکن و کار و بهداشت و تعمیم بیمه به عنوان وظایف دولت تعیین شده است. بنابراین می‌توان محور این اصل را از میان بردن فقر و ایجاد رفاه دانست.

اصل بیست و هشتم: دولت موظف است با رعایت نیاز جامعه به مشاغل گوناگون، برای همه افراد امکان اشتغال به کار و شرایط مساوی را برای احراز مشاغل ایجاد کند که می‌توان گفت امکان شرایط مساوی برای احراز شغل به تعبیری مقابله با نابرابری ناشی از رانت است.

اصل بیست و نهم: برخورداری از تأمین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کار افتادگی، بی‌سرپرستی، در راه ماندگی، حوادث و سوانح، نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره، حقی است همگانی. دولت موظف است طبق قوانین از محل درآمدهای عمومی و درآمدهای حاصل از مشارکت مردم، خدمات و حمایت‌های مالی فوق را برای یک فرد کشور تأمین کند.

اصل سی و یکم: داشتن مسکن متناسب با نیاز، حق هر فرد و خانواده ایرانی است. دولت موظف است با رعایت اولویت برای آنها که نیازمندترند بخصوص روستانشینان و کارگران زمینه اجرای این اصل را فراهم کند.

فصل چهارم: محور امور اقتصادی است، ضمن بیان ویژگی‌های کلی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران طی دو اصل به صورت مستقیم فقرزدایی را از وظایف جمهوری اسلامی ایران بیان می‌کند.

اصل چهل و سوم: برای تأمین استقلال اقتصادی جامعه و ریشه کن کردن فقر و محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد، با حفظ آزادی او، اقتصاد جمهوری اسلامی ایران براساس ضوابط زیر استوار می‌شود:

۱- تأمین نیازهای اساسی: مسکن، خوراک، پوشاک، بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همه.

۲- تأمین شرایط و امکانات کار برای همه به منظور رسیدن به اشتغال کامل.

۳- تنظیم برنامه اقتصادی به صورتی که شکل و محتوا و ساعات کار چنان باشد که هر فرد علاوه بر تلاش شغلی فرصت و توان کافی برای خودسازی و شرکت فعال در رهبری کشور و

افزایش مهارت و ابتکار داشته باشد.

۴- رعایت آزادی انتخاب شغل و نبود اجبار افراد به کاری معین و جلوگیری از بهره‌کشی از کار دیگری.

۵- منع اضرار به غیر و انحصار و احتکار و ربا و دیگر معاملات باطل و حرام.

۶- منع اسراف و تبذیر در همه شئون مربوط به اقتصاد، اعم از مصرف، سرمایه‌گذاری، تولید، توزیع و خدمات.

۷- استفاده از علوم و فنون و تربیت افراد ماهر به نسبت احتیاج برای توسعه و پیشرفت اقتصاد کشور.

۸- جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور.

۹- تأکید بر افزایش تولیدات کشاورزی دامی و صنعتی که نیازهای عمومی را تأمین کند و کشور را به مرحله خودکفایی برساند و از وابستگی برهاند.

اصل چهل و چهارم: نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی با برنامه‌ریزی منظم و صحیح استوار است. بخش دولتی شامل کلیه صنایع بزرگ، صنایع مادر، بازرگانی خارجی، معادن بزرگ که به صورت مالکیت عمومی و در اختیار دولت است. بخش تعاونی شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع است که در شهر و روستا تشکیل می‌شود. بخش خصوصی شامل آن قسمت از کشاورزی، دامداری، صنعت، تجارت و خدمات می‌شود که مکمل فعالیت‌های اقتصادی دولتی و تعاونی است.

اصل چهل و پنجم: انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رها شده معادن دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آبهای عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آنها عمل نماید.

اصل چهل و ششم: هرکس مالک حاصل کسب و کار مشروع خویش است و کسی نمی‌تواند به عنوان مالکیت نسبت به کسب و کار خود امکان کسب و کار را از دیگری سلب کند.

اصل چهل و هفتم: مالکیت شخصی که از راه مشروع باشد محترم است ضوابط آن را قانون معین می‌کند.

اصل چهل و هشتم: در بهره‌برداری از منابع طبیعی و استفاده از درآمدهای ملی در سطح استان‌ها و توزیع فعالیت‌های اقتصادی میان استان‌ها و مناطق مختلف کشور باید تبعیض در کار نباشد.

اصل چهل و نهم: دولت موظف است ثروت‌های ناشی از ربا، غصب، رشوه، اختلاس، سرقت، قمار، سوء استفاده از موقوفات، سوء استفاده از مقاطعه کاری‌ها و معاملات دولتی، فروش زمین‌های موات و مباحات اصلی، دایر کردن اماکن فساد و سایر موارد غیرمشروع را گرفته و به صاحب حق رد کند و در صورت معلوم نبودن او به بیت المال بدهد.

اصل پنجاهم: در جمهوری اسلامی حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات اجتماعی رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران ملازمه پیدا کند، ممنوع است.

اصل پنجاه و یکم: هیچ نوع مالیات وضع نمی‌شود مگر به موجب قانون موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی به موجب قانون مشخص می‌شود.

اصل پنجاه و دوم: بودجه سالانه کل کشور به ترتیبی که در قانون مقرر می‌شود از طرف دولت تهیه و برای رسیدگی و تصویب به مجلس شورای اسلامی تسلیم می‌گردد.

اصل پنجاه و سوم: کلیه دریافت‌های دولت در حساب‌های خزانه‌داری کل متمرکز می‌شود و همه پرداخت‌ها در حدود اعتبارات مصوب به موجب قانون انجام می‌گیرد.

اصل پنجاه و چهارم: دیوان محاسبات کشور مستقیماً زیر نظر مجلس شورای اسلامی است. سازمان و اداره امور آن در تهران و مراکز استان‌ها به موجب قانون تعیین خواهد شد.

اصل پنجاه و پنجم: دیوان محاسبات به کلیه حساب‌های وزارتخانه‌ها، مؤسسات، شرکت‌های دولتی و سایر دستگاه‌هایی که از بودجه کل کشور استفاده می‌کنند به ترتیبی که قانون مقرر می‌دارد رسیدگی یا حسابرسی می‌کند که هیچ هزینه‌ای از اعتبارات مصوب تجاوز نکرده و هر وجهی در محل خود به مصرف رسیده باشد.

اسلامی بودن اصول اقتصادی قانون اساسی

ضرورت «اسلامی» بودن اصول اقتصادی قانون اساسی در اصل ماقبل آن یعنی (اصل ۴۳) نیز تأکید شده بود. نایب رئیس مجلس^۱ در بررسی اصل ۴۳ می‌گوید: «امیدواریم با تأیید خداوند متعال ما بتوانیم آن نظام اقتصادی اسلامی را که در آن آزادی فعالیت‌های اقتصادی و تولیدی برای افراد هست و دولت سالاری اقتصادی نیست ولی در عین حال این فاصله‌گشونده میان

^۱ - آیت الله بهشتی (ره)

زندگی و درآمدها هم نیست و مردم می‌توانند واقعاً از نظر اقتصادی احساس برادری نسبت به یکدیگر داشته باشند بوجود بیاوریم تا نمونه تازه‌ای در اقتصاد باشد.» وی در جای دیگری در بررسی اصل ۴۳ می‌گوید: «یک چنین نظام جدید اقتصادی نه سوسیالیسم است نه مارکسیسم است به شکل نهایی و نه کاپیتالیسم و نه هیچ ایسم دیگر، بلکه اسلامی است.» نمایندهٔ دیگر مجلس بررسی قانون اساسی^۱ نیز بر این موضوع تأکید می‌کند: «این مسئله‌ای است که ما شعار می‌دهیم که نه سرمایه‌داری نه اقتصاد دولتی و نه بینابین بلکه راه سوم.» در بررسی اصل ۴۴ نیز همین بحث‌ها مطرح بود. یکی از صاحب‌نظران عقیده دارد که «فلسفه تنظیم این اصل این بوده است که اقتصاد اسلامی مطرح شود و زیربنای آن نشان داده شود و ثابت شود که اقتصاد اسلامی نه اقتصاد کاپیتالیستی است و نه سوسیالیستی و نه تلفیقی از آن دو»^۲.

اما علیرغم تأکید تمامی نمایندگان بر تعریف و تصویب اصولی اقتصادی که مبتنی بر اسلام باشد، تعریف «اسلامی» از اقتصاد، کار مشکلی به نظر می‌رسید، یکی از نمایندگان^۳ در این زمینه می‌گوید: «من خیال نمی‌کردم این اصل اسلامی یعنی این مسئله اینقدر مطرح شود و مورد نقض و ابرام آقایان بشود.» لذا برای حل مسئله و جلوگیری از بحث‌های بیشتر، یکی دیگر از نمایندگان^۴ پیشنهاد داد که «شما اینجا بنویسید نظام سرمایه‌داری در رژیم جمهوری اسلامی ملغی است یا محکوم است یا هر چیز دیگری، وقتی اینطور شد آن وقت دیگر کل آن مسائلی را که شما اینجا می‌آورید معلوم است که در یک نظام جدید است.» اما یکی دیگر از نمایندگان^۵ معتقد بود که باید «نظام اقتصادی اسلام را معین کنیم زیرا ما تمام نظام کاپیتالیستی و سوسیالیستی را زدیم چون این دو نظام غلط است، اما نظام اقتصادی اسلام را باید به ملت و دنیا عرضه کنیم.»

صرفنظر از این بحث و جدل‌های کلی، اسلامی بودن یا نبودن اصل ۴۴ قانون اساسی خود را هنگام بحث بر سر جایگاه دولت، بخش خصوصی و تعاونی چنانکه در پیشنهاد عنوان شده است، نشان می‌دهد. این بحث از آن جا ناشی شد که در پی گفتگو راجع به حدود هر یک از

^۱ - حسن عضدی

^۲ - آیت الله مکارم شیرازی

^۳ - جعفر اشراقی

^۴ - محمدجواد حجتی کرمانی

^۵ - میرابوالفضل موسوی تبریزی

بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی، نمایندگان پیشنهادی را با این عبارات به رأی گذاشتند که «نظام اقتصادی جمهوری اسلامی بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار است. تفصیل ضوابط و قلمرو هر سه را قانون معین خواهد کرد». بیش از ۳۳ نفر به آن رأی مثبت ندادند. پیشنهاد یکی از نمایندگان^۱ نیز که با همین مضمون و تنها با افزودن کلمه «مالکیت» در کنار «بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی» ارائه گردید از سوی نمایندگان رد شد. در این زمینه رئیس مجلس خبرگان قانون اساسی^۲ نطق روشنی در این زمینه کرد:

«ما در اینکه در اسلام برنامه اقتصادی داریم مشکلی نیست. حالا ما بیائیم اینجا بنویسیم اقتصاد اسلامی بر سه نحو است: دولتی، گروهی، خصوصی. بعد یک اصل درست کنیم و برای نوع دولتی آن یک چیزهایی را بشماریم ولی برای تعاونی اصلاً انواعش را ذکر نکنیم، در صورتی که می‌دانیم در دنیا تعاونی‌های مختلفی وجود دارد و بعضی تعاونی‌ها هست که اصلاً مالکیتش مربوط به اشخاص نیست. همین‌طور مالکیت خصوصی روشن نیست که چگونه است. آیا مردم می‌توانند مالکیت خصوصی داشته باشند؟ یعنی می‌توانند کشاورزی و تجارت خصوصی داشته باشند یا نه؟ اگر ما انواع اینها را ذکر نکنیم می‌گویند این چه قانون ناقصی است که در بخش دولتی انواع آن را ذکر کرده‌اند ولی در بخش خصوصی اصلاً یک نوع آن را هم نیآورده‌اند و یا بخش تعاونی را تعریف نکرده‌اند».

یکی دیگر از نمایندگان^۳ نیز در این بحث مداخله کرد و ناروشن بودن متن را اینچنین یادآور شد: «کشاورزی را کلاً به دولت داده‌اید. اصلاً اسم بزرگ حد یَقِف ندارد. شما خدمات را به دولت، معادن بزرگ را به دولت، بازرگانی و تجارت خارجی را به دولت داده‌اید، تولید و توزیع و کشاورزی کوچک را هم به شرکت‌های تعاونی واگذار کرده‌اید، پس در بخش خصوصی چه مانده است؟ شما بفرمائید جز اینکه فلان کارفرما، یک دستگاه قالی را بگذارد جلو عده‌ای و بگوید این را بباف، از دستمزد این چه عاید آن کارگر شده است؟ با این همه منتهی که می‌خواهیم بر سر بخش خصوصی بگذارید که بخش خصوصی هم شرعاً مالکیت دارد باید سرمایه‌اش را بکار بیاندازد، پولش را به کار بیاندازد، در این اصل سودی برایش پیدا نمی‌کنیم...»

این نگرانی از تسلط دولت بر اقتصاد کشور در عرصه کشاورزی نیز وجود داشت که از زبان

^۱ - موسوی تبریزی

^۲ - آیت الله منتظری

^۳ - موسوی تبریزی

رئیس مجلس اینگونه بیان شد: «فعالیت‌های بزرگ کشاورزی و دامداری در اختیار دولت باشد این منجر به این نمی‌شود که چون دولت سرمایه زیادی دارد ممکن است به تدریج امور کشاورزی و دامداری را در دست بگیرد؟ خلاصه بخش‌های خصوصی منحل بشود و از میان برود [...] دولت در اثر قدرت، تمام امور کشاورزی و دامداری را ممکن است قبضه کند و در نتیجه آن بخش‌های خصوصی و تعاونی از بین برود، خلاصه تبدیل به یک سوسیالیست می‌شود». این نگرانی‌ها در بررسی اصل ۴۳ قانون اساسی نیز وجود داشت هنگام بحث پیرامون اصل ۴۳ یکی از نمایندگان^۱ یادآور شده بود که «ما باید بپرهیزیم از اینکه اقتصاد شکل دولتی پیدا کند و مردم سربار دولت بشوند یعنی همه چیز را از دولت بخواهند. باید آنچنان انگیزه‌ای در مردم بوجود بیاید که تمام چرخ‌های اقتصادی را خودشان بکار ببندازند». همان موقع نیز نایب رئیس مجلس در پاسخی به این نگرانی‌ها گفت: «اقتصاد، دولتی شدنش از نظر مدیریت خطرناک است و نه از نظر مالکیتی که نخواهد به استناد مالکیت مدیریت کند».

در مورد نحوه حضور دولت در بازرگانی خارجی و رسانه‌ها نیز بین نمایندگان اختلاف نظر وجود داشت. در مورد بازرگانی خارجی، یکی از نمایندگان^۲ معتقد بود «به خاطر مسائل ارزی و به خاطر تنظیم سیاست، بازرگانی باید حتماً در دست دولت باشد». در حالیکه یکی دیگر از نمایندگان^۳ بر این نظر بود که: «تجارت خارجی بزرگ را دولت می‌تواند انجام دهد و کوچکش را ملت و بخش خصوصی». همین نگرانی در حوزه رسانه‌ها هم وجود داشت. یکی از نمایندگان^۴ معتقد بود که «رسانه‌های گروهی در نظام جدید را نباید در اختیار دولت بگذارید ... ملت [باید] بتوانند خودشان رادیو و تلویزیون مستقل داشته باشند» اظهاراتی که با عکس‌العمل، نایب رئیس مجلس مواجه شد: «شما آقای دکتر کم توجهی نفرمائید، رادیو و تلویزیون که یک چیز ساده نیست. بنابراین وقتی می‌خواهند درستش کنند این می‌شود مثل دستگاه‌های تبلیغاتی کشور-های سرمایه‌داری که فقط با پول آگهی‌ها و تبلیغات تجاری معرفی و اداره می‌شود حالا شما چه پیشنهادی دارید مگر این کار میسر است؟». اینک نوبت یکی دیگر از نمایندگان^۵ بود که همان حرف نایب رئیس مجلس را در مورد کشاورزی به خود او یادآور شود یعنی بگوید که

^۱ - آیت الله مکارم شیرازی

^۲ - عزیز دانش راد

^۳ - محمد یزدی

^۴ - علی گلزاده غفوری

^۵ - آیت‌الله مکارم شیرازی

«بین مدیریت و سرمایه‌گذاری فرق است، سرمایه‌گذاری را دولت می‌کند اما مدیریتش ممکن است زیر نظر مجلس شورای ملی باشد».

در مورد بخش تعاونی و تعریف و کارکرد آن نیز بحث‌های زیادی بین نمایندگان در گرفت. یکی از نمایندگان^۱ یادآور شد که «بخش تعاونی اصلاً ماهیتش معلوم نیست یا چیزی که آقای ربانی خواند 'کلخوز و سلخوز'، امثال اینها. آنهم باز یک شکل خاصی دارد که می‌دانم منظور آقایان نیست. ما اگر اینجا یک چیزی را بدون اینکه هویتش و شکل حقوقی‌اش معلوم باشد بگذاریم، نتیجه‌اش این می‌شود [...] که مقنن بعدی نتواند منظور ما را درک کند و رویش قانون بگذارد و معوق خواهد ماند». باز هم مسئولیت توضیح به گردن نایب‌رئیس مجلس افتاد. ایشان توضیح داد که «واحد‌های تعاونی، واحدی است که در آن صاحب سرمایه و کارفرمایی جز خود آنهايي که در آن شرکت به شکلی سهیم‌اند، ندارد. مهم در جنبه تعاونی بودن شرکت وقتی در اینجا مقابل خصوصی و دولتی گفته می‌شود این نکته است که افرادی که در آن شرکت سهیم هستند، کار می‌کنند». وی در جواب به یکی از نمایندگان^۲ که پرسید: «من نمی‌دانم مقصود شما از بخش خصوصی چیست؟ [...] اگر سه نفر با هم شریک شوند دیگر بخش خصوصی نیست، تعاونی است؟» پاسخ داد «یک وقتی چهار نفر خودشان سرمایه می‌گذارند و خودشان هم کار می‌کنند البته با رعایت مقررات تعاونی، این می‌شود تعاونی ولی اگر یک وقتی این چهار نفر یک کارگر هم برای اداره کارشان بگیرند، دیگر تعاونی نمی‌شود» و در ادامه بار دیگر یادآور شود «تعاونی یک اصطلاحی است تطور پیدا کرده از آن وقت که نخستین شرکت تعاونی در انگلستان درست شد».

با این حال این گفتگوها درباره‌ی تعریف هر یک از بخش‌های اقتصادی و حدود شمول آنها، نتوانست بعضی از نمایندگان را قانع کند. چنانکه یکی از نمایندگان^۳ به نایب‌رئیس مجلس یادآور شد که «شما آن نظام اقتصادی که در رژیم گذشته بود را می‌خواهید بر هم بزنید یا نمی‌خواهید؟ (رئیس مجلس: می‌خواهیم بزنیم) پس یک کار بکنید، اقلأً یک نظام جدیدی عرضه کنید» (همهمه نمایندگان). و تلاش یکی از نمایندگان^۴ برای شفاف کردن بحث: «شما

^۱ - محمد خامنه ای

^۲ - آیت الله جعفر سبحانی

^۳ - جلال طاهری

^۴ - حجتی کرمانی

می‌توانید بگوئید در اینجا در بخش دولتی چه چیزی را اضافه کرده‌اید که در بخش دولتی رژیم گذشته نبوده است؟» و بالاخره اقرار نایب‌رئیس: «این اصل تفاوتی با رژیم گذشته از نظر نظام و مقررات، نه از نظر عمل ندارد [...] بنده معتقدم در اصول قبلی مسائلی را آوردیم که در نظام قبل نبوده و اینها با مشخصات و ویژگی‌های اقتصاد اسلامی هم کاملاً انتخاب شده [...] ولی من در این اصل چیز تازه‌ای نمی‌بینم». رئیس مجلس نیز می‌افزاید: «اینجا می‌خواهیم نظام اسلامی را معرفی کنیم»، و یکی از نمایندگان^۱ پاسخ می‌دهد «ایراد همین است که شما وقتی می‌خواهید استخوان‌بندی را بنویسید می‌گویید فرقی با گذشته ندارد ...». اینک نوبت یکی دیگر از نمایندگان^۲ بود که بار دیگر نظر نایب رئیس مجلس را تکرار کند:

«اگر ما با قطع نظر از اصول قبلی نگاه می‌کنیم همان نظام سابق است ولی اگر آن اصول سابق را رعایت کنیم، کاملاً متفاوت با آن است. در رژیم قبلی چه چیز موجب استثمار مردم شده بود؟ انحصار بود، احتکار بود، تمرکز ثروت بود، معاملات نامشروع بود، رباخواری‌ها بود، تبذیر و اسراف‌ها بود که اینها موجب شده بود که یک جامعه نامتعادل اقتصادی را تشکیل بدهد ولی ما با آن ضوابط و ضوابط دیگری که آوردیم مانند اموال عمومی و انفال و غیره و اینها را تمام در دست دولت قرار دادیم...»

مهمترین پشتوانه حقوقی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی

مهمترین پشتوانه حقوقی تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، قانون اساسی است. در حقیقت اصول و بندهای قانون اساسی است که تعیین می‌کند که تصمیم‌گیری‌های اقتصادی باید بر اساس چه مبنایی صورت گیرد.

آنچه در شرایط اول انقلاب بیش از هر چیز فضای کشور را به دلیل ماهیت ضد استعماری انقلاب اسلامی مردم ایران تحت تاثیر قرار داده بود، اندیشه مبارزه با استعمار و استثمار، و احقاق حق پابرهنگان و برتری کوخشینان بر کاخشینان بود. قانونگذار اساسی تحت تاثیر این فضای انقلابی و نگرشی اسلامی، اقدام به قانونگذاری نموده و در اصول مختلف بویژه اصل ۴۳ و ۴۴ و فصل چهارم قانون اساسی طی سیزده اصل، به طراحی اصول و سیاستهای کلی اقتصادی جامعه پرداخته است و معیارهای برای آن برشمرده است.

^۱ - حجتی کرمانی

^۲ - ربانی شیرازی

از آنجا که در اسناد قانونی، مقدمه، متکفل معرفی موضوع، زمینه‌های شکل‌گیری، رسالت و هدف آن سند است. از جمله ملزومات ارائه تفسیر صحیح از یک سند قانونی، توجه به مقدمه آن است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز از این قاعده کلی مستثنا نبوده و برای ارائه تفسیر صحیح از آن ضروریست به مقدمه آن، که بیانگر اصول حاکم بر مفاد مندرج در متن قانون اساسی و به مثابه ارکان و پایه‌های آن است، توجه شود. (کعبی، اصغری شورشانی، ۱۳۹۳) در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران آمده است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران مبین نهادهای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی جامعه‌ی ایران بر اساس اصول و ضوابط اسلامی است که انعکاس خواست قلبی امت اسلامی می‌باشد. و در ادامه بیان می‌کند ویژگی بنیادی این انقلاب نسبت به دیگر نهضت‌های ایران در سده اخیر مکتبی و اسلامی بودن آن است و در جای دیگر بیان می‌کند که شیوه‌ی حکومت در اسلام برخاسته از موضع طبقاتی و سلطه‌گری فردی یا گروهی نیست بلکه تبلور آرمان سیاسی ملتی هم‌کیش و هم‌فکر است که به خود سازمان می‌دهد تا در روند فکری و عقیدتی راه خود را به سوی هدف نهایی حرکت به سوی الله بگشاید. با توجه به مقدمه قانون اساسی به نظر می‌رسد رسالت قانون اساسی بنای جامعه بر اساس مواضع اسلامی، مواضع فکری و جهان بینی اصیل اسلامی است. و تضمین‌گر نفی هر گونه استبداد فکری و اجتماعی و انحصار اقتصادی می‌باشد. در مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانونگذاری را بر مدار قرآن و سنت می‌دانند و نظارت دقیق وجدی از ناحیه‌ی اسلام شناسان عادل و پرهیزگار و متعهد بر آن امری محتوم و ضروری می‌داند. مقدمه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران اقتصاد را وسیله معرفی می‌کند نه هدف و بیان می‌کند در تحکیم بنیان‌های اقتصادی اصل، رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظام‌های اقتصادی تمرکز تکاثر ثروت و سود-جویی، زیرا که در مکاتب مادی، اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد، اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی می‌شود ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظاری جز کارایی بهتر در راه وصول به هدف نمی‌توان داشت. با این دیدگاه برنامه اقتصاد اسلامی فراهم کردن زمینه مناسب برای بروز خلاقیت‌های متفاوت انسانی است و بدین جهت تامین امکانات مساوی و متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمرار حرکت تکاملی او بر عهده‌ی حکومت اسلامی است.

در بند ۱۲ از اصل ۳ قانون اساسی دولت جمهوری اسلامی موظف است همه امکانات خود

را برای پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی به کار برد. در اصل ۴۴ قانون اساسی نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر پایه سه بخش دولتی، تعاونی و خصوصی استوار می‌شود بعد از توضیح بخش دولتی بخش تعاونی را شامل شرکت‌ها و مؤسسات تعاونی تولید و توزیع می‌داند که در شهر و روستا بر طبق ضوابط اسلامی تشکیل می‌شود.

همانگونه که ملاحظه می‌گردد در مقدمه قانون اساسی که نشان دهنده رسالت و هدف قانون اساسی است از قید اقتصاد اسلامی، در بند ۱۲ از اصل سوم از قید اقتصاد صحیح و عادلانه بر طبق ضوابط اسلامی و در اصل چهل و چهارم به عنوان مهمترین و محوری‌ترین اصل اقتصادی قانون اساسی از قید نظام اقتصادی جمهوری اسلامی ایران بر طبق ضوابط اسلامی استفاده شده است. با توجه به مطالب فوق پرواضح است بر اساس اصول و بندهای متعدد قانون اساسی، در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، تصمیمات اقتصادی باید بر اساس اصول و ضوابط اسلامی باشد.

نتیجه‌گیری

با توجه به اهداف و آرمان‌های اقتصادی انقلاب اسلامی ایران و قانون اساسی که اکثریت مردم مسلمان ایران؛ پایان بخشیدن به غارت بیت‌المال توسط خاندان پهلوی و مقامات رژیم سلطنتی، صیانت از ذخایر و معادن زیر زمینی؛ تلاش در راه پیشرفت تکنولوژیک، استقلال و خودکفایی اقتصادی، تامین خودکفایی در علوم و فنون، پی‌ریزی اقتصاد صحیح و عادلانه، تلاش برای ریشه کردن فقر و محرومیت، تامین نیازهای اساسی مردم، تامین شرایط برای اشتغال همگان، تنظیم برنامه اقتصادی کشور به نوعی که موجب خودسازی و افزایش مهارت و ابتکار افراد جامعه باشد، جلوگیری از استثمار و بهره‌کشی، منع اضرار به غیر، انحصار، احتکار و ربا، منع اسراف و تبذیر، جلوگیری از سلطه اقتصادی بیگانه بر اقتصاد کشور، تلاش برای افزایش تولیدات کشاورزی و صنعتی، حرکت در مسیر عدالت اقتصادی و کم کردن فاصله طبقاتی، رسیدگی به روستاهای کشور و محرومیت زدایی از آنها، شکوفایی و عزت و سربلندی کشور در سایه تحقق ارزشها و احکام اسلام ناب محمدی^(ص) جستجو می‌کردند و همچنین نگرش اسلامی قانونگذاران اساسی در جمهوری اسلامی ایران و درج قید اقتصاد اسلامی در مقدمه قانون اساسی و اقتصاد بر طبق ضوابط اسلامی در بند ۱۲ از اصل سوم قانون اساسی و همچنین

اقتصاد بر طبق موازین اسلامی در اصل ۴۴ قانون اساسی و روح حاکم بر قانون اساسی و نظر به اینکه قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران قانونی مکتبی که بر اساس مکتب اسلام و آموزه های دین مبین اسلام می‌باشد بطور قطع می‌توان نتیجه گرفت که مبنای قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران برای تصمیم‌گیری‌های اقتصادی، اقتصاد اسلامی است و از آنجا که قانون اساسی از بایدها و نبایدها صحبت می‌کند و اثبات این امر که تصمیم‌گیری‌های اقتصادی مدنظرش بر مبنای اقتصاد اسلامی است نتیجه‌گیری می‌شود که در جمهوری اسلامی ایران در صورتی، تصمیم‌گیری‌های اقتصادی دارای اعتبار و مشروعیت می‌باشد که بر طبق اقتصاد اسلامی و موازین اسلامی صورت گیرد و تصمیم‌گیری‌های اقتصادی که بر طبق ملاک‌ها و معیارهای اقتصاد اسلامی و موازین اسلامی نباشد دارای اعتبار و مشروعیت نمی‌باشد. مضافاً با توجه به الزام آور بودن قانون اساسی، تصمیم‌گیران اقتصادی در جمهوری اسلامی ایران موظف هستند که تصمیم‌گیری‌های اقتصادی خود را بر طبق اقتصاد اسلامی و موازین اسلامی تصمیم‌گیری نمایند.

منابع فارسی کتب

- الوانی، مهدی (۱۳۷۴)، *تصمیم‌گیری و تعیین خط مشی دولتی*، تهران، سمت
- امویی، بهمن (۱۳۸۲)، *اقتصاد سیاسی جمهوری اسلامی*، تهران، انتشارات گام نو
- ار، ریموند، (۱۳۶۷)، *اقتصاد سیاسی*، جلد اول، ترجمه منوچهر فرهنگ، تهران، انتشارات سروش
- بهکیش، محمد مهدی (۱۳۸۰)، *اقتصاد ایران در بستر جهانی سازی*، نشر نی
- بدن، لویی (۱۳۴۰)، *تاریخ عقاید اقتصادی*، ترجمه هوشنگ نهاوندی، تهران، چاپخانه بهمن
- جعفری لنگرودی، محمدجعفر (۱۳۷۸)، *مبسوط در ترمینولوژی حقوق*، جلد ۴، تهران، گنج دانش

- حقگو، حسین، اصل ۴۴ قانون اساسی چگونه زاده شد، بی تا، بی جا
- صورت مشروح مذاکرات مجلس بررسی نهایی قانون اساسی (۱۳۶۴)، آذر ماه، جلد ۴، بی جا
- *قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران* (۱۳۶۸)، اداره کل قوانین و مقررات کشور
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۹)، *مقدمه علم حقوق و مطالعه در نظام حقوقی ایران*، چاپ ۲۶، تهران، شرکت سهامی انتشار
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۷۳)، *حقوق اساسی و نهادهای سیاسی جمهوری اسلامی ایران*، تهران، انتشارات همراه

مقالات

- خلیلیان اشکذری، محمدجواد (۱۳۹۰)، *اصول اقتصادی قانون اساسی با نگاهی به «توسعه پایدار»*، مجله معرفت، شماره ۴۱
- عباس کعبی، محمدرضا اصغری شورستانی و امیرحسین اصل زعیم (۱۳۹۳)، *نقش مقدمه‌ی قانون اساسی در تفسیر اصول و شناخت اهداف و رسالت‌های قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران*، فصل نامه دانش حقوقی، سال سوم، شماره ۱۰
- مدنی، سید جلال الدین (۱۳۸۲)، *مروری بر شکل‌گیری قانون اساسی*، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، شماره ۱۶

خبرگزاری

- حائری شیرازی، محی الدین (۱۳۶۸/۲/۴)، *کیهان*